

ORIGINAL ARTICLE**Assessment of Urban Public Spaces' Livability through the Iranian-Islamic Approach (Case Study: Selected Public Spaces in Bushehr City)****Masoud Safaeepour¹**, **Aghil Gankhaki²**

1. Professor, Department of Geography, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

2. Ph.D. Student in Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Correspondence
Masoud Safaeepour
Email: safaeep_m@scu.ac.ir

Received: 30/Apr/2024
Accepted: 28/Arl/2025

How to cite

Safaeepour, M.; Gankhaki, A. (2025). Assessment of Urban Public Spaces' Livability through the Iranian-Islamic Approach (Case Study: Selected Public Spaces in Bushehr City), *Physical Social Planning*, 10 (1), 37, 1-14.
(DOI: [10.30473/psp.2025.71133.2728](https://doi.org/10.30473/psp.2025.71133.2728))

ABSTRACT

The rapid growth of urbanization and the increasing urban population in Iran have led to various challenges, such as the decline in the quality of urban spaces caused by different forms of pollution, as well as fast-paced urban development with little consideration for cultural and historical values. The concept of livability is recognized as an effective approach that can enhance the quality of life in urban environments across multiple dimensions, ultimately improving residents' satisfaction. Accordingly, this study aims to assess the livability of public spaces in Bushehr city based on the Iranian-Islamic approach, using a descriptive-analytical method. The statistical population consists of selected public spaces in Bushehr, identified through a non-random sampling process by experts and specialists in urban management and planning. For data analysis, multi-criteria decision-making methods were employed, including the Analytic Hierarchy Process (AHP) for criteria weighting and the COPRAS method for ranking the public spaces according to the defined criteria. The results indicate that the criteria of "human scale in design" and "accessibility to public spaces," with weights of 0.125 and 0.120 respectively, were of the highest importance. Among the studied public spaces, "Lian Pedestrian Street" and "Coastal Public Spaces," with weights of 0.860 and 0.747 respectively, demonstrated the highest levels of livability. Finally, a set of recommendations is provided to enhance the livability of these urban spaces.

Keywords: Iranian-Islamic approach, urban livability, Bushehr city, public urban spaces, COPRAS method, AHP.

«مقاله پژوهشی»

ارزیابی زیست‌پذیری فضاهای عمومی شهری با رویکرد ایرانی - اسلامی (مورد مطالعه: فضاهای عمومی منتخب شهر بوشهر)

مسعود صفایی‌پور^۱، عقیل گنخکی^۲

۱. استاد گروه جغرافیا، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

نویسنده مسئول: مسعود صفایی‌پور
رایانامه: safaeep@scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

چکیده

افزایش شهرگرایی و جمعیت‌شهرنشینی در کشور به‌طور روزافزون منجر به ایجاد چالش‌ها و مسائل مختلف مانند کاهش کیفیت فضاهای شهری در نتیجه گسترش انواع آلودگی‌ها و همچنین شهرسازی سریع و بدون توجه به مؤلفه‌ها و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی شده است. مفهوم زیست‌پذیری به‌عنوان رویکردی شناخته می‌شود که می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی محیط شهری در ابعاد مختلف کمک نموده و در نهایت سبب افزایش مطلوبیت ساکنین شود. بر این اساس، این پژوهش باهدف ارزیابی زیست‌پذیری فضاهای عمومی شهر بوشهر با رویکرد ایرانی - اسلامی و به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری موردنظر فضاهای عمومی شهر بوشهر است که به روش غیر تصادفی توسط کارشناسان و خبرگان مدیریت و برنامه‌ریزی شهری انتخاب شده‌اند. به‌منظور تجزیه و تحلیل نتایج از روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره تحلیل سلسله‌مراتبی برای وزن دهی به معیارها و روش کوپراس برای رتبه‌بندی فضاهای عمومی شهری بر اساس معیارهای موردنظر استفاده شده است. بر اساس نتایج، معیارهای "رعایت مقیاس انسانی در طراحی" و "دسترسی به فضاهای عمومی" به ترتیب با وزن‌های ۰/۱۲۵ و ۰/۱۲۰ بیشترین اهمیت را داشته و در میان فضاهای عمومی موردبررسی، "پیاده راه لیان" و "فضاهای عمومی ساحلی" به ترتیب با وزن‌های ۰/۸۶۰ و ۰/۷۴۷ بیشترین زیست‌پذیری را دارند. در ادامه و به‌منظور بهبود زیست‌پذیری این فضاها پیشنهادهای ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی

رویکرد ایرانی - اسلامی، زیست‌پذیری شهری، شهر بوشهر، فضاهای عمومی شهری، روش کوپراس، AHP.

استناد به این مقاله:

صفایی‌پور، مسعود؛ گنخکی، عقیل (۱۴۰۴).
ارزیابی زیست‌پذیری فضاهای عمومی شهری با
رویکرد ایرانی - اسلامی (مورد مطالعه: فضاهای
عمومی منتخب شهر بوشهر)، فصلنامه علمی
برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۱۰ (۱)، ۳۷-۱۴.

(DOI: [10.30473/psp.2025.71133.2728](https://doi.org/10.30473/psp.2025.71133.2728))

مقدمه

جمعیت شهرها در سطح جهان به سرعت افزایش یافته و از ۷۵۱ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به ۴/۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۸ رسیده است (به ترتیب ۳۰ و ۵۵ درصد از کل جمعیت جهان) و پیش‌بینی می‌شود ۲٫۵ میلیارد نفر (۶۸ درصد از کل جمعیت جهان) دیگر تا سال ۲۰۵۰ به جمعیت شهری اضافه گردد (سازمان ملل متحد؛ ۲۰۱۹). بر همین اساس رشد جمعیت و شهرنشینی سریع چالش‌های زیادی را در افزایش آلودگی‌ها و تأمین نیازهای مسکن، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و امنیت غذایی و آب به وجود آورده است (وانگ و فانگ؛ ۲۰۱۶).

علاوه بر این افزایش جمعیت شهری در ابعاد زیست محیطی و اجتماعی موجب تخریب گسترده چشم اندازهای طبیعی، تغییر کاربری اراضی کشاورزی، کاهش پوشش‌های گیاهی، محرومیت اجتماعی، ناامنی، بیکاری، کمبود مسکن و ترافیک و در نهایت کاهش زیست پذیری شهرها شده است (یاری قلی، احد نژاد و سجادی، ۱۳۹۸؛ حیدری و همکاران، ۲۰۱۸). باوجوداین چالش‌ها امروزه نظریه‌پردازان و برنامه ریزان شهری رهیافت‌ها و رویکردهای مختلفی از جمله پایداری، کیفیت زندگی، رشد هوشمند، نو شهر گرایی و زیست پذیری برای مواجهه با این مسائل و چالش‌های شهری ارائه داده‌اند. رهیافت‌های یادشده هرچند در پرداختن به رضایت افراد، ارزیابی ساکنان از محیط، امنیت، بهداشت، کیفیت مکان، محبوبیت عمومی و سیاست‌گذاری، هم‌پوشانی دارند، اما اغلب در ریشه و مبنا متفاوت می‌باشند (وان کمپ^۳ و همکاران، ۲۰۰۳).

زیست پذیری شهری مباحثی از قبیل ایجاد جامعه قابل سکونت و امن برای شهروندان و الزامات مورد نیاز آن را مطرح می‌نماید و به‌طور فزاینده؛ به تقویت مفهوم کیفیت زندگی در محیط‌های شهری می‌پردازد (هانکینز و پاور؛ ۲۰۰۹). به عبارتی زیست پذیری در معنای اصلی و کلی خود به مفهوم دستیابی به قابلیت زندگی و یا به تعبیری کیفیت برنامه‌ریزی شهری خوب یا مکان پایدار است (ساسان پور، تولایی و جعفری اسدآبادی، ۱۳۹۳). از این رو زیست پذیری شهری گفتمانی نیرومند را در توسعه‌ی شهری و طراحی شهری بازتاب می‌دهد

که به وجود ارتباط مطلوب بین محیط شهری و زندگی اجتماعی اشاره می‌کند (غفاریان و همکاران، ۲۰۱۷).

فضاهای عمومی شهری به‌عنوان فضای باز قابل حضور برای گروه‌های مختلف اجتماعی شناخته‌شده و نقش ارزشمندی در پویایی و کارآمدی حیات روزمره شهری که نیازمند تعاملات اجتماعی و برخورداری از تنوع است، دارد (رفعیان و سیفایی، ۱۳۸۴)، در حقیقت فضاهای عمومی شهر در بهبود زیست پذیری و در نهایت ارتقاء کیفی زندگی شهری و رفاه ساکنین اهمیت زیادی دارند (محمدی‌ارزاده و شمس الهی، ۱۳۹۷). با این حال ایجاد فضاهای عمومی شهر در انطباق با شرایط فرهنگی، اجتماعی و همچنین شرایط اقلیمی شهری موجب کارایی و اثربخشی حداکثری را فراهم می‌آورد (رومن، اورتیز و پارتز؛ ۲۰۰۴). به عبارتی در طراحی فضاهای شهری باید به‌گونه‌ای عمل شود که شهر بتواند ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه را به‌خوبی نمایش دهد و همچنین زمینه مشارکت اجتماعی را فراهم آورد (تولایی، ۱۳۸۲). جین جیکوبز به جنبه فرهنگی- اجتماعی شهر بیش از جنبه کالبدی آن توجه نموده و پویایی سرزندگی شهر را وابسته به مراکز شهری پیچیده، متراکم و پرازدحام می‌داند؛ بنابراین وی خواهان توقف جداسازی کاربری‌ها شده و برای فضاهایی چون خیابان‌ها، به‌عنوان یکی از بسترهای تعاملات اجتماعی، اهمیت بسیاری قائل می‌گردد. وی بر این عقیده بوده است که به‌واسطه تقویت فضاهای عمومی؛ چون خیابان‌ها می‌توان به شهرها، به‌ویژه مراکز شهری، معنا و هویت بخشید (یزدی، ۱۳۹۲).

جمعیت شهرها و روند شهرنشینی در ایران نیز متناسب با افزایش جمعیت شهرها در جهان، در دهه‌های اخیر به‌شدت افزایش یافته است و در نتیجه آن شهرها را با مشکلات گسترده در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و ... مواجه ساخته است (حاتمی نژاد، متانلو جوییاری و اخوان حیدری، ۲۰۱۹؛ ساسان پور، تولایی و جعفری اسدآبادی، ۱۳۹۳). بر اساس آمار رسمی کشور، نسبت شهرنشینی از سال ۱۳۳۵ (۳۱ درصد شهرنشین) تا سال ۱۳۹۰ (۷۱ درصد شهرنشین) رشد کرده است و این روند همچنان ادامه دارد و سبب شده است تا شهرهای کشور با استانداردهای زیست پذیری و زیست‌محیطی فاصله بگیرند (حسینی، ۱۳۹۵). بر همین اساس افزایش جمعیت

1. United Nations
2. Wang & Fang
3. Van Kamp
4. Hankins & Powers

و به وجود آمدن پیامدهای منفی گسترده آن در محیط شهری، نیازمند آن است تا بیش‌ازپیش زمینه دستیابی شهرها به اهداف زیست‌پذیری شهری موردتوجه برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گیرد.

کاهش کیفیت فضاهای عمومی شهری بر اساس معیارها و اهداف زیست‌پذیری به‌ویژه در شهرهای کشور که از نظر شرایط اقلیمی در عرض‌های پایین قرار دارند و با توجه به نقش کارکردی آن‌ها در فعالیت‌های سیاسی - اقتصادی کشور در معرض پیامدهای مختلف شهرنشینی و صنعتی شدن قرار دارند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. از طرفی با توجه به تعاریف فضاهای عمومی شهر و جایگاه آن در بهبود زیست‌پذیری شهری و نیازمندی آن به پشتوانه فرهنگی - اجتماعی لازم جهت افزایش کارکرد و اثربخشی این فضاها، نیاز است تا بیش‌ازپیش به بررسی و ارزیابی این فضاها بر اساس معیارها و ارزش‌های فرهنگی کشور و هویت ایرانی - اسلامی شهرها پرداخته شود. بر این اساس، این پژوهش باهدف ارزیابی زیست‌پذیری فضاهای عمومی شهری بر اساس مؤلفه‌های ایرانی - اسلامی موجود در شهرسازی و برنامه‌ریزی شهرهای کشور، تلاش می‌نماید تا ضمن شناخت دقیق مؤلفه‌های تأثیرگذار در بهبود زیست‌پذیری این فضاها بر اساس پشتوانه فرهنگی و هویتی موجود، زمینه دستیابی شهرهای کشور به اهداف موردنظر در ارتقاء زیست‌پذیری را فراهم آورد.

برای نخستین بار در سال ۱۹۷۵ آلن جیکوبز واژه زیست‌پذیری را به‌عنوان یکی از اهداف کلان پروژه برنامه‌ریزی شهری سانفرانسیسکو به کار گرفت. زیست‌پذیری به سیستم شهری اطلاق می‌گردد که به ارتقاء خوشبختی ذهنی، اجتماعی و فیزیکی و توسعه ساکنانش توجه دارد و اصول کلیدی آن عدالت، کرامت، دسترسی، تعامل، مشارکت و توانمندسازی است (یانگ، ۲۰۱۱). به عبارتی زیست‌پذیری راجع به فضاهای شهری دلپذیر و مطبوعی است که غنای فرهنگی خاصی عرضه می‌کند (سی موآر، ۲۰۰۵). در حقیقت ایده زیست‌پذیری پلی میان بسیاری از مفاهیم بوده و اشاره به مکان‌های ویژه که باهم کنش و واکنش داشته و رضایتمندی شهروندان با رسیدن به نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها؛ تقویت خوشبختی و سلامتی آن‌ها، و حفاظت از منابع طبیعی و عملکرد اکوسیستم از سطوح محلی تا

سطوح جهانی تضمین می‌شود (استین، ۲۰۰۲). نانکه هیلن (۲۰۰۶) اعتقاد دارد که اصطلاح زیست‌پذیری مانند چتری است که با دامنه متنوعی از مفاهیم نظیر کیفیت زندگی؛ کیفیت مکان، رضایت ساکنان، کیفیت محیط زندگی و محل سکونت، پایداری و سرزندگی همپوشانی داشته و اغلب باهم مترادف در نظر گرفته می‌شوند (شمس‌الدین، حسن و بیلیمین، ۲۰۱۲). به عبارتی شهرهای زیست‌پذیر مکان‌های برای زندگی اجتماعی و ارتباطات و گفتگو هستند و ضمن توجه به خلق مناظر خیابان و فضاهای عمومی زمینه حضور ساکنین در قلمرو عمومی و قلب شهر را میسر می‌کنند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین شهر زیست‌پذیر شهری است که فضاهای عمومی آن مراکز زندگی اجتماعی و کانون تمام اجتماع خود است. همچنین اهداف اصلی در طراحی شهری باهمستان‌های زیست‌پذیر، در ارتقای قابلیت زندگی، سالم‌سازی، افزایش امنیت و ایمنی و پایداری این‌گونه اجتماعات خلاصه می‌شود (سلیمانی مهرنجانی، ۱۳۹۵). در همین راستا، اجزا و عوامل اصلی شکل‌دهنده یک اجتماع محلی زیست‌پذیر عبارت هستند از: دسترسی به خدمات و امکانات باکیفیت مانند امکانات هنری، حمل‌ونقل، مدارس و اماکن ورزشی - بهداشتی، قابلیت حرکت پیاده، تنوع، امنیت، پایداری، فضا و فرصت‌های موجود برای مشارکت اجتماعی و همکاری خلاقانه، فضاهای خصوصی، اصالت، احساس افتخار به مالکیت، هویت منحصربه‌فرد، ثبات اقتصادی، تمرکز بر ورای شهرها (حومه‌ها، اجتماعات کوچک، روستاها (وجود امکانات پشتیبان یادگیری در طول زندگی، کیفیت، محیط فیزیکی، مشاغل، فرصت‌های زندگی سالم، طراحی شهری، چشم‌اندازسازی، زیباسازی، باغچه‌ها و پارک‌های محلی، پاکیزگی، هنرهای عمومی، کیفیت هوا، احساس پیوستگی با محله و همسایگان، انعطاف‌پذیری، ارزش‌های مشترک، مشارکت مدنی، پیوستگی با تاریخ و میراث فرهنگی، فعالیت‌های داوطلبانه، مشارکت سیاسی. همچنین اجتماعات زیست‌پذیر مکان‌های هستند که حمل‌ونقل، مسکن و توسعه تجاری در آن‌ها منطبق بر تعادل دسترسی و گزینه‌های پایدار سفر از نظر زیست‌محیطی است (مجرد، ۱۳۹۶). بر اساس مفاهیم زیست‌پذیری شهری ذکرشده، می‌توان نتیجه گرفت که شهر زیست‌

3. Stein

4. Nanke Hilan

5. Shamsuddin, Hassan & Bilyamin

1. Yang

2. Seymoar

غیرمستقیم در آرامش، رفاه و سطح کیفیت عمومی شهروندان تأثیرگذار می‌باشند، مفهومی که با ارائه امکانات عمومی از جمله پارک، امکانات تفریحی و خدمات اجتماعی و فرهنگی همراه است و با این اعتقاد که آن‌ها در رفاه و آسایش ساکنان سودمند هستند. این ممکن است تأثیرات مهمی بر روی شهروندان داشته باشد تا جایی که وجود فضای عمومی را می‌توان مرتبط با عملکرد حدود فعالیت عمومی دانست. با توجه به تعاریف ارائه‌شده از فضاهای عمومی، تورل و همکاران (۲۰۰۷) فضاهای عمومی را مکان‌هایی می‌دانند که در آن الزامات خصوصی و عمومی ظاهر می‌شوند؛ بنابراین در تمام زندگی اجتماعی تعادلی پویا بین فعالیت‌های عمومی و خصوصی وجود دارد. لیپتون^۳ فضای عمومی را با عنوان "اتاق زندگی بیرونی" و "مرکز تفریح و فراغت بیرون از خانه" تعریف می‌کند و معتقد است که فضای عمومی مکانی برای بیان تنوع، تولید یک فرآیند دادوستد و آموزش تحمل و شکیبایی است و مفهوم شهروندی عمدتاً با تعیین کیفیت و نحوه دسترسی به آن تعریف می‌شود و چند ظرفیتی بودن، مرکزیت و کیفیت فضای عمومی بستر ساز اراده‌ی کاربردهای متفاوت در آن می‌شود.

فضاهای عمومی نقش بسیار مهمی در توسعه پایدار شهرها دارند و اهمیت آن در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و غیره در برنامه‌ریزی شهری است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۵) و شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی فضای شهری تلقی شود، این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۵). به عبارتی فضاهای عمومی چون خیابان‌ها و پیاده‌روها باید فضاهایی پاسخگو، دموکراتیک و نیز معنادار باشند که بتوانند به نیازهای ساکنان شهرها (اعم از نیازهای جسمانی، روحی و ذهنی) پاسخ دهند (محمدی‌ارزاده و شمس الهی، ۱۳۹۷). از همین رو پارک‌ها به عنوان فضاهای عمومی شهری باهدف ارائه خدمات موردنیاز شهروندان در پهنه فضای سبز به وجود می‌آیند که این فضاها ضمن ارائه خدمات متعدد، مکان‌هایی برای تشویق و حضور هر چه بیشتر افراد و گروه‌ها و ایجاد تعامل و ارتباط بین شهروندان نیز می‌گردند (عبدالهی و صنمی، ۱۳۹۹). در سال‌های اخیر مهم‌ترین گرایش معماری معاصر ایران را می‌توان "تجدید حیات گرایانه" برشمرد و بر همین اساس در سال‌های اخیر مدیران شهری و مسئولین ذی ربط به فکر

پذیر به دنبال ایجاد فضاهای امن، منعطف، در دسترس و پویا است که ضمن برخورداری از کیفیت لازم زمینه‌ساز بهبود سلامت، تندرستی، نشاط اجتماعی، ارائه‌دهنده فرصت‌های متنوع است و در نهایت محیط زندگی باکیفیت بالا و جذاب برای شهروندان ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر فضای عمومی شهری و سنت گرد هم‌آیی در مجتمع‌های زیستی، به تاریخ و شکل‌گیری نخستین مجتمع‌های زیستی انسان بازمی‌گردد و از گذشته‌های دور تا امروز، در شهرها همواره این فضاها برای اجتماع مردم و گفتگو در زمینه مسائل شهر وجود داشته است (صدافتی، ۱۳۹۳). شاید زیارتگاه‌ها و معابد جز اولین فضاهای عمومی باشند که جهت برگزاری آیین‌ها و تشریفات مذهبی و آموزش عمومی ساخته شده‌اند و احتمال آگورا از نخستین فضاهای شهری دموکراتیک بوده که شهروندان برای ارتباطات اجتماعی و تبادل اندیشه در دولت‌شهرهای یونانی به وجود آوردند (عظیمی، شیرزای زاده و رحیمیان، ۱۳۸۹)؛ اما به دلایل خاص برنامه‌ریزی شهری در دوران توسعه شهرسازی مدرن، به فضاهای عمومی شهری کمتر توجه شد (موحد، آهنگری و حسینی، ۱۳۹۴). در این دوران بسیاری از فضاهای باز عمومی یا نادیده گرفته می‌شدند، یا عملکرد خود را از دست می‌دادند یا با تغییر چشم‌انداز مواجه می‌شدند. باین‌حال در سال‌های اخیر مفهوم فضای عمومی و نقش کارکردی آن در بهبود زیست پذیری شهری و دستیابی به شهر سالم موردتوجه برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است و علاوه بر ارزش زیباشناختی، دسترسی به فضاهای عمومی مانند پارک با مزایای متعدد جسمی، اجتماعی و بهداشت روانی (مک کورمک^۱ و همکاران، ۲۰۱۰) از جمله تمایل بیشتری به انجام فعالیت‌های بدنی، افزایش سلامت روان و فضای تعامل و انسجام اجتماعی همراه است (فرانسیس^۲ و همکاران، ۲۰۱۲).

فضای عمومی فضایی است که عموم مردم از هر قوم شهروندان از هر قشر، سن، نژاد و صنفی حق ورود و حضور را بدون هیچ‌گونه محدودیتی دارا می‌باشند و از دید بسیاری از دانشمندان، فضا عنصر جدانشدنی ساخت مادی و ساخت مند شدن زندگی اجتماعی است و این بدان معناست که نمی‌توان آن را جدا از جامعه و روابط اجتماعی فهمید. به عبارتی فضاهای عمومی مکان‌های مهمی هستند که به صورت مستقیم یا

1. McCormack
2. Francis

3. Lipton

بازگشت به معماری و شهرسازی تاریخی ایرانی - اسلامی - افتاده‌اند (عطاپور، ۱۳۹۵). شهر ایرانی و اسلامی، شهری است که رفتارهای اجتماعی توسط مردم و با مشارکت آنان صورت گرفته و در تفکرات و اندیشه‌های مردم راه‌یافته، نظارت عمومی در چنین فضایی شکل یافته و محیط تعامل گسترش پیدا کرده است و در این میان اهالی شهر برای شهر و شهر نیز در خدمت ساکنانش است و مؤلفه‌های مانند تعاملات اجتماعی، امنیت، بهداشت و غیره در صورتی که ایجاد می‌گردد که توسط مردم و با نظارت و همکاری آنان بر اساس اندیشه‌ها و عقایدشان صورت یابد و این عوامل تأثیر به سزای در معاصر سازی محیط و افزایش کیفیت محیط دارد (دمبلی و همکاران، ۱۳۹۳).

بر اساس مطالعات صورت گرفته تا قبل از ورود دین اسلام به ایران، شهرهای ایران حتی در نخستین سده‌های ظهور اسلام، هنوز فرصت تبدیل آیین به فضا و شکل را نیافته‌اند و مهم‌ترین رویکرد آن‌ها، پرهیز از سازمان دوقطبی باستانی و بنیاد شهری عدالت محور و برابر اندیش است (پوراحمد، ۱۳۹۳). پس از ورود اسلام به ایران، جامعه طبقاتی گذشته متلاشی شده و در ساختار فضایی شهر تجلی پیدا می‌کند و با مطرح شدن امت واحد و جامعه واحد امکان برخورداری و دسترسی مردم به خدمات شهری در پیوند باهم دیگر فراهم می‌شود. به عبارتی شهر در دوره اسلامی، بخش عمومی را در درون سازمان فضایی مذهبی خویش پذیرفته است (همان). به عبارتی از آنجا که در یک جامعه اسلامی، ماهیت مادی و معنوی در ابعاد اجتماعی، مذهبی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، به هم گره خورده است، بنابراین نمودار «عینی و وجودی» آن نیز در فضاهای شهری در قالب سازمان‌دهی و هم‌نشینی عناصر و اجزای شهری مانند مسجد جامع، بازار، فضاهای فرهنگی و ... قابل مشاهده و دریافت‌اند (سجاذزاده و پیربابایی، ۱۳۹۱). بر همین اساس، در سال‌های اخیر پژوهش‌های پیرامون مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرهای ایرانی - اسلامی بر اساس منابع موجود صورت گرفته است و در نتیجه آن‌ها به ویژگی‌های مختلفی از این شهرها مانند عدل، رعایت سلسله‌مراتب در ابنیه بر اساس رعایت برون‌گرایی و درون‌گرایی، حفظ حریمیت در فضاهای خصوصی، امنیت، دسترسی و همچنین ارزش‌هایی مانند، آرامش، خلوت، حیا، سادگی، تنظیم شرایط محیطی در انواع اقلیم‌ها مورد تأکید قرار گرفته است (پوراحمد، ۱۳۹۳؛ صداقتی، ۱۳۹۳؛ عطاپور، ۱۳۹۵). در ارتباط با ویژگی‌های کالبدی فضاهای شهری بر

اساس مؤلفه‌های ایرانی - اسلامی، دنبلی و همکاران (۱۳۹۷) به ویژگی‌هایی مانند باز بودن فضا، عمومی بودن فضا، برقراری تعاملات اجتماعی فضا، پیوستگی، برتری چشم‌انداز اشاره می‌کنند (دنبلی و همکاران، ۱۳۹۷). با این وجود تاکنون مطالعات محدودی در خصوص افزایش زیست‌پذیری فضاهای شهری با رویکرد ایرانی - اسلامی که می‌بایست مبنای برنامه‌ریزی و ایجاد فضاهای شهری به‌منظور بهبود کارایی و اثربخش این فضاها در حیات روزمره شهرها باشد، صورت گرفته است و در این راستا در این پژوهش سعی شده است تا این ویژگی‌ها در ارتباط با شاخص‌های زیست‌پذیری شهری مورد بررسی قرار گرفته و بر این اساس زمینه دستیابی به فضاهای عمومی زیست‌پذیر در برنامه‌ریزی شهری فراهم گردد.

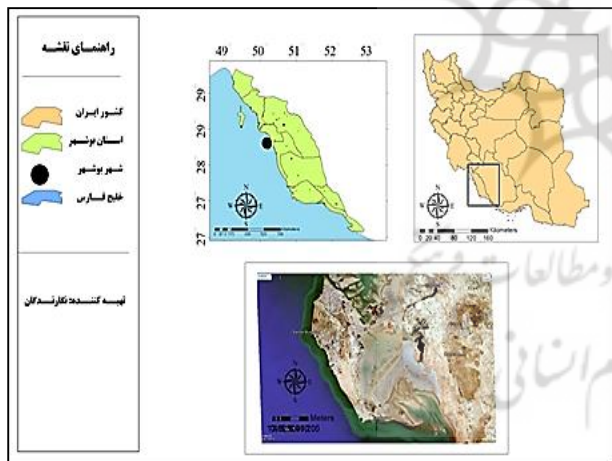
با توجه به مفهوم شاخص (استفاده از ملاک‌ها و اصولی که خصوصیات کیفی را در قالب کمیت‌ها بیان می‌کند و آن‌ها را قابل بررسی و ارزشیابی می‌نماید)، شاخص‌های مربوط به زیست‌پذیری شهری بر اساس مؤلفه‌های شهرسازی ایرانی - اسلامی که با استفاده از بررسی پژوهش‌های پیشین و نیز ادبیات موضوع تعیین گردیده‌اند، عبارت‌اند از دسترسی به فضا و تنوع حمل‌ونقل، امنیت، طراحی در مقیاس انسانی، نورپردازی و روشنایی، نشانه‌ها و نمادهای تاریخی - مذهبی، پیاده محوری، استفاده از مصالح بومی در ساخت‌وساز، فضای سبز، زیرساخت‌های بهداشتی - درمانی، مسجد محوری، تنوع فعالیت‌ها، تفریحات و سرگرمی، چشم‌انداز و کیفیت بصری، آلودگی‌ها.

داده‌ها و روش کار

پژوهش انجام‌شده از نوع تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی - تحلیلی است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، فضاهای عمومی شهر بوشهر است. بدین منظور با مطالعه پیشینه موجود و نیز بررسی معیارهای شناسایی و انتخاب فضاهای عمومی شهری بر اساس نقش کارکردی، تعداد ۵ مورد از فضاهای عمومی شهر بوشهر که بر اساس نظر خبرگان، به‌عنوان مهم‌ترین فضاهای عمومی شهر در امتداد ساحل ساخته شده‌اند، انتخاب گردید. ابزار استفاده‌شده به‌منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در این پژوهش، پیمایش‌های میدانی، مشاهده، پرسشنامه، مصاحبه با کارشناسان و با استفاده از روش اسنادی است. مدل‌های مورد استفاده نیز شامل تحلیل سلسله‌مراتبی و کوپراس بر اساس پرسشنامه‌های تکمیل‌شده و مبتنی بر نظر کارشناسان و

نخست شهری روبروست. این شهر در حدود ۸۲۹۶ هکتار وسعت دارد که حدود ۲۱۰۲ هکتار (۲۵ درصد) به اراضی شهری و ۶۱۹۳ هکتار (۷۵ درصد) به سایر اراضی (اراضی دایر و متروکه، اراضی نظامی، شوره‌زار، بوته‌زار، مسیل و ماند آب و ...) اختصاص دارد. متوسط ارتفاع از سطح دریا ۱۸ متر، میانگین بارش سالانه ۲۲۰ میلی‌متر، متوسط دمای سالانه ۲۵ درجه سانتی‌گراد و متوسط رطوبت سالانه نیز ۶۵ درصد است. آب‌وهوای شهر بوشهر از نوع گرم و مرطوب ساحلی است که محدودیت‌های عمده‌ای را برای محیط‌زیست انسانی به وجود می‌آورد و موجب کاهش سطح آسایش شهروندان می‌شود.

شرایط اقلیمی ویژه مانند دما و رطوبت بالا، اسکله‌های صیادی و تجاری متعدد، واقع‌شدن پایگاه‌های نظامی دریابانی و نیروی هوایی در محدوده شهر، فقدان زیرساخت‌های مانند شبکه یکپارچه فاضلاب شهری و عدم برخورداری از مدیریت جامع پسماند جامد شهری و همچنین پایین بودن سرانه کاربری فضای سبز شهری به میزان ۵,۷ مترمربع و ... نیازمند بازنگری اساسی در ایجاد فضاهای عمومی شهری بر اساس شرایط محیطی و نیز با در نظر گرفتن ویژگی‌های هویتی و ارزشی ایرانی اسلامی است.



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه (بازترسیم: نگارندگان)

شرح و تفسیر نتایج

به‌منظور استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی در تعیین وزن معیارهای تأثیرگذار بر زیست‌پذیری فضاهای عمومی شهری، از ۱۵ معیار استفاده‌شده است. انجام مقایسات زوجی معیارهای اصلی مؤثر بر زیست‌پذیری فضاهای عمومی شهری بر اساس جدول ۹ کمیته‌ای انجام‌شده است. با توجه به نتایج حاصل از پیاده‌سازی مدل تحلیل سلسله‌مراتبی در محیط نرم‌افزار اکسپرت چوز (شکل ۳)، در بین معیارهای موردبررسی، بیشترین

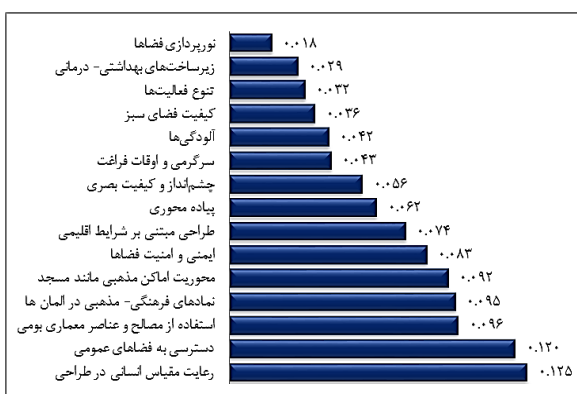
متخصصین امر است. روش تعیین روایی مورد استفاده در این پرسشنامه از نوع منطقی بوده که در آن تعداد سؤالات و کیفیت آن‌ها از نظر کارشناسان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. پرسشنامه اول به‌منظور اولویت‌بندی معیارها و زیر معیارها و تعیین وزن نهایی هر کدام از آن‌ها طراحی و ۲۰ مورد توسط کارشناسان مدیریت شهری در استانداری و شهرداری استان بوشهر تکمیل گردید. پرسشنامه دوم نیز ۲۰ عدد و به‌منظور رتبه‌بندی فضاهای عمومی بر اساس معیارهای پژوهش و استفاده از روش کوپراس توسط کارشناسان فوق‌الذکر تکمیل شده است. جهت تحلیل اطلاعات از نرم‌افزارهای اکسل، گوگل ارث، آرک جی‌آی‌اس^۱ استفاده‌شده است. همچنین به‌منظور تسهیل کار در انجام فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی از نرم‌افزار اکسپرت چوز^۲ استفاده‌شده است.



شکل ۱. گزیده مراحل پژوهش

شهر بوشهر مرکز استان بوشهر در ۲۸ درجه و ۵۹ دقیقه عرض جغرافیایی و ۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه طول جغرافیایی، در جنوب غربی ایران قرار دارد (شکل ۲). این شهر به‌صورت شبه‌جزیره و از سه جهت به دریا منتهی می‌شود و تنها از قسمت شرقی آن از طریق محور بوشهر شیراز با خشکی ارتباط دارد. شبه‌جزیره بوشهر در ساحل شمالی خلیج فارس با ابعاد - تقریبی ۲۰ کیلومتر در ۸ کیلومتر استقرار یافته است. شهر بوشهر بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ با جمعیت ۲۲۳۵۰۴ نفر (و مساحت ۹۸۴,۵ کیلومتر مربع در مجاورت خلیج فارس، بزرگ‌ترین شهر استان بوشهر است که نرخ رشد سالانه جمعیت آن در حدود ۱/۴ درصد است. از طرفی به‌عنوان مرکز سیاسی- اقتصادی استان بوشهر با افزایش میزان مهاجرت و تحت تاثیر پدیده

1. Arc GIS (Geographical Information System)
2. Export choice



شکل ۳. معیارهای موردبررسی وزن آن‌ها (منبع: محاسبات نگارندگان)

وزن مربوط به معیار "رعایت مقیاس انسانی در طراحی" و برابر ۰,۱۲۵ است. دومین معیار از نظر ارزش عبارت است از "دسترسی به فضاهای عمومی" که وزنی برابر ۰,۱۲۰ را دارد. معیارهای "استفاده از مصالح و عناصر معماری بومی" و "نمادهای فرهنگی-مذهبی در اماکن" به ترتیب با وزن برابر ۰,۱۷۱ و ۰,۱۲۷ در مرتبه بعدی قرار دارند. در بین معیارهای موردبررسی، معیار "نورپردازی فضاها" با وزنی معادل ۰,۰۱۸ کمترین وزن را دارد. ضریب سازگاری مقایسات زوجی معیارهای اصلی بر اساس هدف، برابر ۰,۰۷ است.

جدول ۱. وزن و علامت اختصاری هر یک از معیارها (منبع: محاسبات نگارندگان)

ردیف	عنوان	وزن محاسبه شده	علامت اختصاری
۱	رعایت مقیاس انسانی در طراحی	۰/۱۲۵	X1
۲	دسترسی به فضاهای عمومی	۰/۱۲۰	X2
۳	استفاده از مصالح و عناصر معماری بومی	۰/۰۹۶	X3
۴	نمادهای فرهنگی-مذهبی در اماکن	۰/۰۹۵	X4
۵	مسجد محوری	۰/۰۹۲	X5
۶	ایمنی و امنیت فضاها	۰/۰۸۳	X6
۷	طراحی مبتنی بر شرایط اقلیمی	۰/۰۷۴	X7
۸	پیاده محوری	۰/۰۶۲	X8
۹	چشم انداز و کیفیت بصری	۰/۰۵۶	X9
۱۰	سرگرمی و اوقات فراغت	۰/۰۴۳	X10
۱۱	آلودگی‌ها	۰/۰۴۲	X11
۱۲	کیفیت فضای سبز	۰/۰۳۶	X12
۱۳	تنوع فعالیت‌ها	۰/۰۳۲	X13
۱۴	زیرساخت‌های بهداشتی-درمانی	۰/۰۳۹	X14
۱۵	نورپردازی و روشنایی	۰/۰۱۸	X15

جدول ۲. ماتریس تصمیم‌گیری (منبع: محاسبات نگارندگان)

گزینه‌ها	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11	X12	X13	X14	X15
فضاهای ساحلی دهکده گردشگری	۴	۴	۳	۳	۱	۵	۳	۳	۴	۳	۱	۳	۳	۴	۳
پیاده راه لیان پارک شغاب	۵	۱	۵	۵	۳	۴	۵	۴	۵	۵	۴	۲	۴	۵	۵
پارک دانشجو	۲	۵	۴	۴	۵	۳	۳	۵	۳	۲	۳	۱	۵	۱	۴
	۱	۳	۳	۲	۱	۲	۴	۲	۲	۱	۲	۵	۱	۳	۲
	۳	۲	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳	۵	۴	۳	۲	۱

رابطه (۱) - نرمالیزه کردن مقادیر ماتریس تصمیم‌گیری

$$d_{ij} = \frac{q_i}{\sum_{j=1}^n X_{ij}} X_{ij}$$

گام دوم: نرمال‌سازی ماتریس تصمیم‌گیری بر اساس رابطه ۱

که در اینجا q_i وزن معیار I و X_{ij} مقدار هر گزینه به ازای هر معیار:

جدول ۳. ماتریس نرمالیزه شده تصمیم‌گیری (منبع: محاسبات نگارندگان)

گزینه‌ها	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11	X12	X13	X14	X15
فضاهای ساحلی	۰,۵۳۹	۰,۵۳۹	۰,۳۶۴	۰,۴۰۵	۰,۱۶۴	۰,۵۳۹	۰,۳۸۷	۰,۴۰۵	۰,۵۳۹	۰,۴۳۳	۰,۱۳۵	۰,۴۰۵	۰,۳۸۷	۰,۵۳۹	۰,۴۰۵
دهکده گردشگری	۰,۵۳۹	۰,۵۳۹	۰,۳۶۴	۰,۴۰۵	۰,۱۶۴	۰,۵۳۹	۰,۳۸۷	۰,۴۰۵	۰,۵۳۹	۰,۴۳۳	۰,۱۳۵	۰,۴۰۵	۰,۳۸۷	۰,۵۳۹	۰,۴۰۵
پیاده راه لیان	۰,۲۷۰	۰,۶۷۴	۰,۴۸۵	۰,۵۳۹	۰,۸۲۲	۰,۲۷۰	۰,۳۸۷	۰,۶۷۴	۰,۴۰۵	۰,۱۴۴	۰,۴۰۵	۰,۱۳۵	۰,۶۴۵	۰,۱۳۵	۰,۵۳۹
پارک شغاب	۰,۱۳۵	۰,۴۰۵	۰,۳۶۴	۰,۲۷۰	۰,۱۶۴	۰,۱۳۵	۰,۵۱۶	۰,۲۷۰	۰,۲۷۰	۰,۲۸۹	۰,۲۷۰	۰,۶۷۴	۰,۳۸۷	۰,۴۰۵	۰,۲۷۰
پارک دانشجو	۰,۴۰۵	۰,۲۷۰	۰,۳۶۴	۰,۱۳۵	۰,۱۶۴	۰,۵۳۹	۰,۱۲۹	۰,۱۳۵	۰,۱۳۵	۰,۴۳۳	۰,۶۷۴	۰,۵۳۹	۰,۱۲۹	۰,۲۷۰	۰,۱۳۵

گام سوم: ماتریس وزن‌دار شده هر یک از گزینه‌ها (ضرب هر یک از مقادیر ماتریس تصمیم‌گیری نرمالیزه شده در وزن معیارها)

جدول ۴. ماتریس وزن دهی به گزینه‌ها بر اساس هر یک از معیارها (منبع: محاسبات نگارندگان)

گزینه‌ها	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11	X12	X13	X14	X15
فضاهای ساحلی	۰,۰۶۷	۰,۰۶۵	۰,۰۳۵	۰,۰۳۸	۰,۰۱۵	۰,۰۵۶	۰,۰۲۹	۰,۰۲۵	۰,۰۳۰	۰,۰۱۹	۰,۰۰۶	۰,۰۱۵	۰,۰۱۲	۰,۰۱۶	۰,۰۰۷
دهکده گردشگری	۰,۰۶۷	۰,۰۶۵	۰,۰۳۵	۰,۰۳۸	۰,۰۱۵	۰,۰۵۶	۰,۰۲۹	۰,۰۲۵	۰,۰۳۰	۰,۰۱۹	۰,۰۰۶	۰,۰۱۵	۰,۰۱۲	۰,۰۱۶	۰,۰۰۷
پیاده راه لیان	۰,۰۳۴	۰,۰۸۱	۰,۰۴۷	۰,۰۵۱	۰,۰۷۶	۰,۰۳۴	۰,۰۲۹	۰,۰۴۲	۰,۰۲۳	۰,۰۰۶	۰,۰۱۷	۰,۰۰۵	۰,۰۲۱	۰,۰۰۴	۰,۰۱۰
پارک شغاب	۰,۰۱۷	۰,۰۴۹	۰,۰۳۵	۰,۰۲۶	۰,۰۱۵	۰,۰۲۳	۰,۰۳۸	۰,۰۱۷	۰,۰۱۵	۰,۰۱۲	۰,۰۱۱	۰,۰۲۴	۰,۰۱۲	۰,۰۱۲	۰,۰۰۵
پارک دانشجو	۰,۰۵۱	۰,۰۳۲	۰,۰۳۵	۰,۰۱۳	۰,۰۱۵	۰,۰۱۱	۰,۰۱۰	۰,۰۰۸	۰,۰۰۸	۰,۰۱۹	۰,۰۲۸	۰,۰۱۹	۰,۰۰۴	۰,۰۰۸	۰,۰۰۲

$$S_j^+ = \sum_{zi} = -d_{ij}$$

گام پنجم: رتبه‌بندی مقایسه گزینه‌ها که بر اساس معیارهای مثبت (+) و منفی (-) محاسبه می‌شوند. اهمیت نسبی Q_j از هر گزینه A_j طبق رابطه ۴ محاسبه می‌شود:

رابطه ۴ - محاسبه رتبه نهایی هر یک از گزینه‌ها

$$+ \frac{S_j^- \min \sum_{j=1}^n S_j^- X}{S_j^- \sum_{j=1}^n \frac{S_j^- X}{S_j^-}} = S_j^+ + \frac{\sum_{j=1}^n S_j^-}{S_j^- \sum_{j=1}^n \frac{1}{S_j^-}} Q_j = S_j^+$$

گام چهارم: محاسبه مجموع وزن معیار نرمالیزه شده

توصیف‌کننده گزینه‌ها؛ گزینه‌های که با معیارهای مثبت محاسبه می‌شوند با S_j^+ و گزینه‌هایی که با معیارهای منفی محاسبه می‌شوند با S_j^- نشان داده می‌شوند. مجموع S_j^+ و S_j^- بر اساس رابطه ۳ محاسبه می‌شوند:

رابطه ۳ - مجموع مقادیر هر یک از گزینه‌ها بر اساس معیارهای

مثبت و منفی

$$S_j^+ = \sum_{zi} = +d_{ij}$$

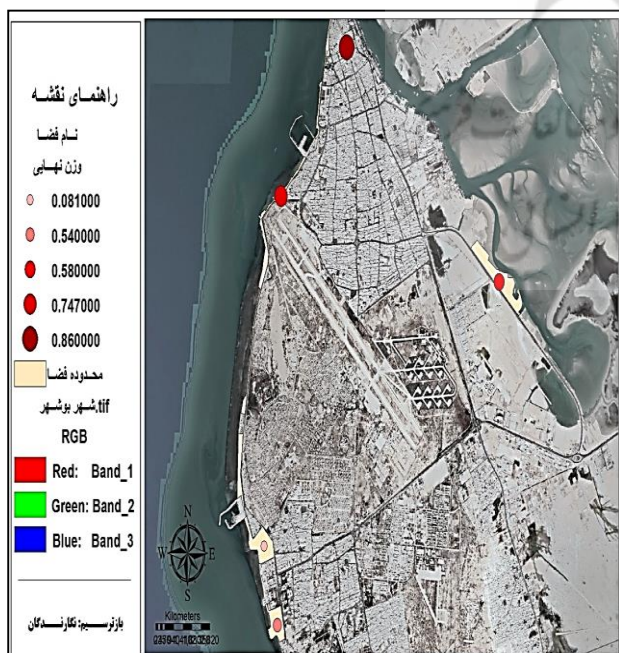
رابطه ۵- نرمال‌سازی رتبه نهایی

$$N_j = \frac{Q_j}{Q_{max}} \times 100$$

جدول ۵. رتبه بندی نهایی گزینه‌ها (منبع: محاسبات نگارندگان)

گزینه‌ها	Q_i	(N_j) رتبه نهایی
فضاهای ساحلی	۰/۷۴۷	۲
دهکده گردشگری	۰/۵۸۰	۳
پیاده راه لیان	۰/۸۶۰	۱
پارک شغاب	۰/۰۹۴	۵
پارک دانشجو	۰/۶۴۶	۴

شامل پارک‌ها، فضاها و محدوده‌های مناسب‌سازی شده در امتداد نوار ساحلی شهر بوشهر است، مراجعه‌کننده بالای در طول شبانه‌روز به‌ویژه در فصولی از سال که از شرایط دمایی و رطوبتی مناسب‌تری برای حضور در این فضاها به‌ویژه ساعات شب برخوردار است، دارد و همچنین به‌عنوان مکان‌های محسوب می‌شوند که از تعداد زیادی گردشگر در فصل‌های زمستان و بهار میزبانی می‌کند. اقدامات صورت گرفته در این فضاها بر اساس معیارهای موردبررسی گسترده بوده و درنهایت منجر به افزایش زیست‌پذیری این فضاها شده است. دهکده گردشگری نیز که در سال‌های اخیر ساخته شده و در طراحی و ساخت آن تأکید زیادی بر استفاده از عناصر معماری بومی و فضای پیاده‌روی، دریاچه، آلاچیق‌های اقامتی و ... باهدف جذب گردشگران بومی و غیربومی استان استفاده شده است، اما به دلیل عدم دسترسی مناسب به آن و همچنین عدم برخورداری از تنوع عملکردی، نسب به پیاده راه لیان و فضاهای ساحلی، از زیست‌پذیری کمتری برخوردار است؛ البته این مکان گردشگری در سال گذشته به دلیل کمبود اعتبار مالی و سرمایه گذاری کافی، پیشرفت فیزیکی چندانی نداشته است. سایر فضاها مانند پارک دانشجو و پارک شغاب نیز بر اساس معیارهای موردبررسی، باوجود انجام اقدامات مانند ایجاد پلاژ شنا ویژه بانوان در پارک دانشجو و توسعه فضای سبز در پارک شغاب اما به ترتیب از کمترین زیست‌پذیری برخوردار هستند.



شکل ۴. رتبه‌بندی نهایی فضاهای عمومی شهر بوشهر (منبع: محاسبات نگارندگان)

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، پیاده راه لیان به‌عنوان بازار اصلی و خواستگاه اولیه شهر که در محدوده بافت تاریخی شهر قرار دارد، نسبت به سایر فضاها از زیست‌پذیری بیشتری برخوردار است. فضاسازی ساحلی شامل پارک‌های سیادت، قوام و ... رتبه دوم را دارد. بر اساس معیارهای موردبررسی، پارک شغاب کمترین میزان زیست‌پذیری را نسبت به فضاهای عمومی بررسی شده دارد. در راستای هدف پژوهش، به‌منظور سنجش زیست‌پذیری فضاهای عمومی شهر بوشهر از معیارهای متعددی استفاده شده است که درنهایت و بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، معیارهای مانند "رعایت مقیاس انسانی در طراحی"، "دسترسی به فضاهای عمومی"، "استفاده از مصالح و عناصر معماری بومی"، "استفاده از نمادهای فرهنگی - مذهبی در امان‌ها و نشانه‌ها" به ترتیب بیشترین اهمیت را دارا بوده و نقش مهمی در بهبود زیست‌پذیری فضاهای عمومی شهری دارند. از بین فضاهای موردبررسی، پیاده راه لیان واقع در محدوده بافت تاریخی شهر و خواستگاه اولیه این بندر که از نظر کالبدی بناها و عمارت‌های ارزشمند تاریخی در آن قرار دارند، بیشترین زیست‌پذیری را دارد. این پیاده راه حدود دو هکتار مساحت دارد و برای ساکنین محله‌های قدیمی مانند کوتی، بهبهانی و شنبیدی که جز قدیمی‌ترین محله‌های شهر بوشهر محسوب می‌شوند، قابل‌دسترس‌تر است و از تنوع حمل‌ونقلی مانند خودرو، اتوبوس و پیاده‌روی برخوردار بوده و همچنین نسبت به سایر فضاهای موردبررسی از تنوع کارکردی و فعالیتی گسترده‌ای اهم از تجاری و مسکونی برخوردار است. در طراحی این پیاده راه ضمن رعایت مقیاس‌های انسانی، از نمادهای فرهنگی و مذهبی گسترده و مسجد محوری استفاده شده است. فضاهای عمومی ساحلی که

بحث و نتیجه‌گیری

به مفهومی کلی زیست پذیری شهری، دستیابی شهروندان و ساکنین به قابلیت زندگی بهتر است و این مفهوم درواقع دستیابی به اهداف برنامه‌ریزی شهری شهروند محور با رویکردهای پایداری محیط شهری و انسانی هم‌راستا با مفاهیم و ارزش‌های تمدن ایرانی - اسلامی است که با توجه به چالش‌ها و مسائل محیط‌های شهری، نقش اساسی در حیات‌بخشی و رشد و بهبود کیفیت زندگی ساکنین دارد. فضاهای عمومی شهری به‌عنوان مکان تبلور پویایی و کیفیت زندگی شهری، نقش محوری در کیفیت‌بخشی به ابعاد مختلف زندگی ساکنین دارند و با بهبود زیست پذیری آن‌ها، نقش کارکردی آن‌ها در جهت دستیابی به مطلوبیت نهایی استفاده‌کنندگان آن‌ها، بهبود می‌یابد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های زیست پذیری فضاهای شهری که بر اساس رویکرد معماری ایرانی - اسلامی تدوین شده‌اند، از اهمیت متفاوتی برخوردار هستند. در بین این شاخص‌ها، رعایت مقیاس انسانی در طراحی‌ها، دسترسی به فضاهای باز و استفاده از مصالح و عناصر بومی اهمیت بیشتری دارند. رعایت مقیاس انسانی به بهبود دسترسی همگانی به فضاها، مطلوبیت و راه بیشتر استفاده‌کنندگان فضاهای شهری کمک می‌کند. پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع نیز بر اهمیت رعایت مقیاس انسانی در طراحی فضاهای شهری تأکید دارند (رضایی و ایرانی ملک کیان، ۱۳۹۹؛ هاشمی و قانع پور، ۱۳۹۵). دسترسی به فضاهای شهری نیز به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی زیست پذیری به استفاده همگانی از فضاهای شهری به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر و عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادی آموزه‌های دین اسلام کمک می‌کند. پژوهش‌های پیشین انجام‌شده (اسمعیلی، صادقی و آراسته، ۱۴۰۲؛ مهوری، قلعه نویی و مختار زاده، ۱۳۹۹؛ دانش پور، سعیدی رضوانی و بذرگر، ۱۳۹۷) بر اهمیت شاخص دسترسی در بهبود زیست پذیری فضاهای عمومی شهری تأکید می‌کند و از این نظر نتایج این پژوهش از اعتبار لازم برخوردار است. علاوه بر این نتایج این پژوهش نشان داد که استفاده از مصالح و عناصر بومی اهمیت بالایی در بهبود زیست پذیری فضاهای شهری دارد. این امر در پژوهش‌های پیشین نیز مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است (ذوالفقاری طراحی و همکاران، ۱۴۰۳؛ پاداشی املشی و همکاران، ۱۴۰۰؛ اکرمی و علی پور، ۱۳۹۵) و می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از مصالح و عناصر بومی نقش مهمی در ارتقاء حس تعلق خاطر بازدیدکنندگان از فضاهای عمومی شهری و تطابق بیشتر

این فضاها با اقلیم و شرایط محیطی دارند و از این نظر به پایداری فضاهای شهری کمک می‌کنند (احدژاد و همکاران، ۱۳۹۸).

بررسی تطبیقی فضاهای عمومی شهر بوشهر نشان می‌دهد که پیاده راه لیان که در سال‌های اخیر موردبازسازی گسترده قرار گرفته است، بر اساس شاخص‌های موردنظر و نسبت به سایر فضاهای عمومی بررسی‌شده از زیست پذیری نسبی بالایی برخوردار است. این امر به دلیل رعایت دقیق‌تر شاخص‌های دسترسی، مسجد محوریت استفاده از مصالح بومی در معماری جداره‌ها و همچنین فراهم کردن تنوع حمل‌ونقلی است. فضاهای ساحلی نیز در سال‌های اخیر با پرداختن به شاخص‌های زیست پذیری شهری ازجمله رعایت مقیاس انسانی در طراحی‌ها، استفاده از مصالح بومی و المان‌های شهری بر خواسته از فرهنگ عامه و ارزش‌های تاریخی مانند پنجره شورا، کافه‌های ساحلی، مبلمان شهری و ... از زیست پذیری نسبی بالایی برخوردار است.

این مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که مدیران و برنامه ریزان شهری در بازسازی و احیاء فضاهای عمومی شهری مانند پارک‌های شغاب و دانشجو که بر اساس شاخص‌های موردنظر از زیست پذیری کمتری برخوردار هستند می‌بایست از سایر فضاهای نظیر پیاده راه لیان و فضاهای عمومی ساحلی الگوبرداری کنند و تجارب موفق به‌دست‌آمده را به شیوه مؤثر پیاده‌سازی نمایند. به عبارتی در برنامه‌ریزی باهدف دستیابی به فضاهای عمومی شهری و بهبود زیست‌پذیری آنها باید با محوریت آداب، رسوم و فرهنگ عامه شهروندان باشد و از عناصر کالبدی و نشانه‌هایی در ساخت این فضاها استفاده شود که در نهایت منجر به مطلوبیت حداکثری برای مراجعه‌کنندگان به این فضاها باشد. این امر در شهرهایی که شرایط اقلیمی نامناسب‌تری برای استقرار جمعیت مانند شهر بوشهر که در بیشتر ماه‌های سال دما و رطوبت بالایی دارد، اهمیت بیشتری داشته و نیازمند رویکردی اساسی و یکپارچه است.

نوآوری اصلی این پژوهش در به‌کارگیری هم‌زمان روش‌های تحلیل سلسله مراتبی AHP و ارزیابی متناسب پیچیده COPRAS برای سنجش و رتبه‌بندی زیست‌پذیری فضاهای عمومی شهری با تأکید بر شاخص‌های معماری ایرانی-اسلامی و بومی شهر بوشهر است. این پژوهش با تلفیق رویکردهای کمی و کیفی، چارچوبی تحلیلی ارائه می‌دهد که نه تنها به شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر زیست‌پذیری پرداخته، بلکه بر اساس آن، فضاهای عمومی موجود در شهر بوشهر را با دقت و استناد به داده‌های واقعی رتبه‌بندی کرده است. بهره‌گیری از معیارهایی چون

حداکثری مقیاس انسانی در طراحی و دستیابی حداکثری به مطلوبیت ساکنین

— استفاده از مصالح و عناصر بومی در طراحی و ساخت فضاهای عمومی شهری و همچنین استفاده از المان‌ها و نشانه‌های مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های تاریخی و مذهبی مانند مسجد محوری با توجه به پیشینه تاریخی و اعتقادی شهر بوشهر

— بهبود ابعاد مختلف امنیت و ایمنی فضاهای عمومی شهر با فراهم‌سازی افزایش تعاملات اجتماعی در این فضاها، حذف نقاط جرم خیز و بهبود روشنایی با توجه به اصول وندالیسم شهری

— ارتقاء سرانه فضای سبز شهری در این مناطق و استفاده از گونه‌های گیاهی سایه‌گستر که می‌تواند در شرایط نامناسب دمایی، مورد استفاده عموم قرار گیرد.

— فراهم‌سازی زیرساخت‌های سرگرمی و اوقات فراغت برای گروه‌های مختلف سنی و جنسی و همچنین کمک به کاهش آلودگی‌ها به‌ویژه ماندآبی که در نهایت منجر به انتشار بوهای نامساعد به‌ویژه در مجاور ساحل می‌شود.

مقیاس انسانی، دسترسی‌پذیری، استفاده از مصالح بومی و نمادهای فرهنگی-مذهبی، رویکردی نو در سنجش کیفیت فضاهای عمومی در اقلیم گرم و مرطوب جنوب ایران به شمار می‌رود و می‌تواند به‌عنوان الگویی بومی‌شده برای سایر شهرهای ساحلی کشور که با چالش‌های زیست‌محیطی، فرهنگی و کالبدی مشابهی روبرو هستند، مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش با تمرکز بر پیاده‌راه لبان به‌عنوان رتبه نخست در فضای عمومی بررسی شده، نشان می‌دهد که بهره‌گیری از شاخص‌های بومی در طراحی و بازآفرینی فضاهای شهری، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای کیفیت زندگی شهری ایفا می‌کند.

بر اساس نتایج این پژوهش، فضاهای عمومی شهر بوشهر از نظر معیارهای موردبررسی، زیست‌پذیری مختلفی دارند که جهت ارتقاء این معیارها و دستیابی به اهداف شهر پایدار، می‌بایست اقدامات متعددی به شرح زیر صورت گیرد.

— افزایش دسترسی به فضاهای عمومی شهر و فراهم نمودن زمینه لازم برای بهبود تنوع حمل‌ونقل با محوریت رعایت

References

- Abdolahi, A.A., & Sanami, e. (2020). Evaluation of effective components in security common city spatial and trying to raise them (Case study: Shiraz Besat Park). *JOURNAL OF URBAN SOCIAL GEOGRAPHY*, 7(1), 211-232. (In Persian)
- Ahadnezhad, M., Rasouli, M., & Mohammadhasanabad, K. (2019). Urban evaluation of livability indicators in Sardasht neighborhoods using the COPRAS model. *Geography and Human Relations*, 4(1). (In Persian)
- Akrami, G., & Alipour, L. (2016). The role of local materials in sustainable architecture from an environmental perspective. *Housing and Rural Environment*, 35(156), 29-48. <https://sid.ir/paper/186139/fa> (In Persian)
- Attapour, A. (2015). Investigating and recognizing the characteristics of the Islamic city with an emphasis on the Iranian-Islamic city presented in the international conference of civil engineering, architecture and urban planning elites, Tehran. (In Persian)
- Azimi, N., Shirazizadeh, A., Rahimian, M. (2012). The position of public spaces in contemporary urban planning with emphasis on Iranian cities. Presented at the second urban planning and management conference, Mashhad. (In Persian)
- Daneshpour, H. R., Saeedi Rezvani, N., & Bazrgar, M. R. (2018). Analyzing the role of accessibility indicators in enhancing urban prosperity index using the FAHP technique. *Geography and Regional Planning Quarterly*, 8(33), 523-540. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286462.1397.9.1.31.1> (In Persian)
- Donboli S, Kalantari Khalilabad H, Aghasafari A. (2019). Recognition of Urbanscape Identity Components in Iranian Islamic Cities - The case of Tehran. *Naqshejahan* 8 (4):223-230. <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-31770-fa.html> (in Persian)
- Esmaili, M., Sadeghi, A., & Arasteh, M. (2023). Explanation of indicators for access to urban green infrastructure. *12th International Conference on New Research in Civil Engineering, Architecture, Urban*

- Management, and Environment*, Tehran. (In Persian)
- Francis, J., Wood, L. J., Knuiman, M., & Giles-Corti, B. (2012). Quality or quantity? Exploring the relationship between Public Open Space attributes and mental health in Perth, Western Australia. *Social Science & Medicine*, 74(10), 1570-1577. doi:<https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2012.01.032>
- Gaffarian, M., Perizadi, T., Shemaei, A., Khatibibzadeh, M., Shahsevar, Amin. (2017). Spatial Analysis Livability of Urban Neighborhoods (Case Study: 18th Region of Tehran). *Environmental Researches*, 7(14), 45-58. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20089597.1395.7.14.11.8>. (In Persian)
- Garcia-Ramon, M. D., Ortiz, A., & Prats, M. (2004). Urban planning, gender and the use of public space in a peripheral neighbourhood of Barcelona. *Cities*, 21(3), 215-223. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2004.03.006>
- hadnejhad roshti, M., & sajadi, J. (2019). Evaluation of urban livability indicators, case study: Zanjan city region. *Regional Planning*, 9(34), 132-148. (In Persian)
- Haidari, M. T., Ziyari, K. A., Meshkini, A., & anbarlo, A. R. (2018). Viability approach. *Geography (Regional Planning)*, 8(32), 23-40. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22286462.1397.8.4.2.5> (In Persian)
- Hankins, K. B., & Powers, E. M. (2009). The Disappearance of the State from "Livable" Urban Spaces. *Antipode*, 41(5), 845-866. doi:<https://doi.org/10.1111/j.1467-8330.2009.00699.x>
- Hashemi, S. Y., & Ghanepour, P. (2016). Urban space organization and design with a human scale approach. *4th Scientific Research Conference on New Horizons in Geography, Architecture, and Urban Planning of Iran*, Tehran. (In Persian)
- Hataminejad, H., Modanlou jouybari, M., & akhavan hadari, K. (2019). Spatial Analysis of Physical Liveability in Ahvaz Metropolitan. *Physical Social Planning*, 6(1), 11-23. doi: 10.30473/psp.2019.5828
- Hosseini, A., Malekpour, M. (2016). Evaluation of the livability of Kermanshah city. *Geography, civil engineering, urban planning, architecture*, 1(20), 62-53. (In Persian)
- Izadi, M., Mohamadi, J., Taheri, Z., & Shirkhani, H. (2016). Utility Analysis of Urban Public Spaces from the Perspective of Women Case Study: District No.4 of Isfahan. *Geography and Development*, 14(42), 127-144. doi: 10.22111/gdij.2016.2347
- Kalantari Khalilabad H, Haghi M, Dadkhah M. (2014). Social Components of Islamic-Iranian Urban Planning Pattern. *Naqshejahan* 4 (1), 17-26. (In Persian)
- Mahvari, P., Ghaleh Noei, M., & Mokhtarzadeh, S. (2020). Assessing the quality of urban space based on placemaking criteria with emphasis on access quality (Case study: Atigh Square, Isfahan). *Urban Studies*, 9(35), 47-60. <https://sid.ir/paper/407689/fa> (In Persian)
- McCormack, G. R., Rock, M., Toohey, A. M., & Hignell, D. (2010). Characteristics of urban parks associated with park use and physical activity: A review of qualitative research. *Health & Place*, 16(4), 712-726. doi:<https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2010.03.003>
- Movahed, A., Ahangari, N., & Hosseini, F. (2015). Evaluate the performance of urban public spaces and its role in social sustainable development (case study: Bukan). *Community Development (Rural and Urban)*, 7(1), 79-102. doi: 10.22059/jrd.2015.58435. (In Persian)
- Padashi Amlashi, A., Irani Behbahani, H., Khakpour, M., & Bandarabad, A. (2021). Analytical study of vernacular architecture for developing livability indicators (Case study: Amlash City). *Human Settlements Planning Studies*, 16(4), 697-710. (In Persian)
- PapoliYazdi, M., Rajabi Senajardi, H. (2014). The Theory of Urban and Surrounding, the

- Theory of Urban and Surrounding, Tehran, Iran. (In Persian)
- Pourahmad, A. (2015), Spatial construction of the city in Iran before and after Islam, 6th National Conference on Urban Planing and Management with Emphasis on the Elements of Islamic City•Mashhad. (In Persian)
- Rafieian, m., Seifaei, m. (2005). Reviewing and qualitative Analysis of urban public Space. *Honar-ha-ye Ziba*, 23(23), 23 (23), 42-35. (In Persian)
- Rezaei, M., & Irani Malek Kian, A. (2020). The contribution of the "human scale" concept to the success of urban projects (Case study: Tehran's urban restoration plans in the 2000s). *Quarterly Journal of Urban and Regional Development Planning*, 5(14), 1-28.
<https://doi.org/10.22054/urdp.2021.57686.1275> (In Persian)
- Sajjadzadeh, H, and Pirbabaei, M. T. (2011). Concepts of urban space in the Islamic city. *Iranian Islamic City Studies*, 3(10), 0-0. SID.
<https://sid.ir/paper/480020/fa>. (In Persian)
- Sasanpour, F, Tolai, S, & Jafari Asadabadi, H. (2013). Livability of cities in line with sustainable urban development (case study: Tehran metropolis). *Geography*, 12(42), 129-157. (In Persian)
- Sedaghati, A., Etihad, S., Sh., (2013). Islamic Iranian city: Investigating the presence of women in urban spaces with an emphasis on Islamic cities. Conference on Architecture, Civil Engineering, Urban Development and Horizons of Islamic Art in the Second Step Statement of the Revolution•Tabriz. (In Persian)
- Seymoar, N., Timmer, V., Oberlander, H. P. (2005). The Livable City. Canada: Vancouver Working Group. (2005). *The Livable City*. Vancouver Working Group (Canada): International Centre for Sustainable Cities.
- Shamsuddin, S., Hassan, R., & Bilyamin, S. (2012). Walkable Environment in Increasing the Liveability of a City. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 50, 167-178. doi:10.1016/j.sbspro.2012.08.025
- Soleimani Mehrenjani, M., Tavallai, S., Rafieian, M., Zanganeh, A., & khazaei Nezhad, F. (2016). Urban livability: the concept, principles, aspects and parameters. *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 4(1), 27-50.
<https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2016.58120>. (In Persian)
- Stein, E. K. (2002). *Community and quality of life*. the U.S: National Academies Press.
- Tolai, Novin. (2002). Urban space and socio-cultural relations. *Cultural Research Journal*, 7(5), 109-140. (In Persian)
- UN, U. N. (2019). *World urbanization prospects – the 2018 revision*. ST/ESA/SER.A/420 Retrieved from <https://population.un.org/wup/Publications/Files/WUP2018-Report.pdf>.
- van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & de Hollander, A. (2003). Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Landscape and Urban Planning*, 65(1), 5-18. doi:[https://doi.org/10.1016/S0169-2046\(02\)00232-3](https://doi.org/10.1016/S0169-2046(02)00232-3)
- Wang, Z.-b., & Fang, C.-l. (2016). Spatial-temporal characteristics and determinants of PM2.5 in the Bohai Rim Urban Agglomeration. *Chemosphere*, 148, 148-162. doi:<https://10.1016/j.chemosphere.2015.12.118>
- Yang, S. (2011). A livable city study in china: using structural Equation models. (MA), Uppsala University.
- Yarzadeh S M, Shamsollahi B. (2018). The Role of Public Spaces in the Realization of City Prosperity and Sustainable Development. *IUESA 6* (23), 111-124. (In Persian)
- Zolfaghari Tehrani, M., Mahdavi-Nejad, M. J., Ansari, M., & Mansouri, B. (2024). Effective indicators in redefining Iranian architecture as eco-friendly and nature-oriented architecture. *Naqshejahan - Journal of Architecture and Urbanism*, 14(2), 1-20.
<http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-72457-fa.html> (In Persian)